



A Comparative Analysis of Speech Acts in Persian Language Teaching textbooks for Non-Persian learners and AI-Generated content

Fateme Farahmandfar^۱

Master of Arts in General Linguistics, Allameh Tabataba'i University (ATU), Tehran, Iran.

Abstract

The present study provides a comparative analysis of speech acts in Persian language textbooks for non-Persian learners and sentences generated by Artificial intelligence. The data were selectively and purposively collected from dialogues in instructional textbooks, as well as from responses generated by Artificial intelligence to comparable situations and prompts. The collected data were analyzed based on Austin and Searle's Speech Act Theory and Brown and Levinson's Politeness Theory. The results indicate that, in some cases, the speech acts presented in the instructional textbooks exhibit greater diversity in pragmatic features, including the degree of imposition, the intensity of face threat, and the selection of politeness strategies. In contrast, the data generated by Artificial intelligence show a greater tendency toward producing standardized utterances, while speech acts involving a higher degree of face threat occur less frequently. The findings of the study indicate that integrating Persian language textbooks with modern artificial intelligence technologies can have a significant impact on improving Persian language instruction for non-Persian learners.

Keywords: Speech acts, Artificial intelligence, Persian language instruction, Politeness theory, Pragmatic Features, Speech Act Theory

تحلیل تطبیقی کنش‌گفتارها در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و داده‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی

فاطمه فرهمندفر^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

پژوهش حاضر به تحلیل تطبیقی کنش‌گفتارها^۲ (کارگفت‌ها) در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و جملات تولید شده توسط هوش مصنوعی پرداخته است. در این پژوهش، داده‌ها به صورت انتخابی و هدفمند از مکالمات کتاب‌های آموزشی و نیز پاسخ‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی در مواجهه با موقعیت‌ها و پرامپت‌های^۳ مشابه جمع‌آوری شده است. داده‌های حاصل بر مبنای نظریه کنش‌گفتار سرل و آستین^۴ و نیز راهبردهای ادب زبانی براون و لوینسون^۵ مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد، در برخی موارد شاهد تنوع بیشتری در ویژگی‌های کاربرشناختی از جمله میزان تحمیل، شدت تهدیدکنندگی وجهه و انتخاب راهبردهای ادب در کنش‌گفتارهای کتاب‌های آموزشی هستیم؛ در حالی که داده‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی، گرایش بیشتری به تولید جملات استاندارد دارند و کنش‌گفتارهایی که مستلزم تهدید بالاتر وجهه هستند در آن کمتر دیده می‌شوند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، تلفیقی از کتاب‌های آموزش زبان فارسی با فناوری نوین هوش مصنوعی می‌تواند در بهبود آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان تاثیر بسزایی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: کنش‌گفتار، هوش مصنوعی، آموزش زبان فارسی، نظریه ادب زبانی، ویژگی‌های کاربرشناختی، نظریه کنش‌گفتار

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۳/۲۶ | تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۵/۲۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۱۸

^۱. Email: frhmndrtm@gmail.com

^۲. Speech Acts

^۳. Prompt

^۴. Austin, J. L., & Searle, J. R

^۵. Brown, P., & Levinson, S. C.

۱. مقدمه

آموزش زبان دوم/خارجی فرایندی چندبُعدی است که فراتر از تسلط بر ساختارهای صوری، دستوری و واژگانی، نیازمند پرورش «توانش ارتباطی» و به‌ویژه «توانش کاربردشناختی»^۱ در زبان‌آموزان است. توانش کاربردشناختی، توانایی به‌کارگیری مناسب، بافت‌مند و پذیرفته‌شده الگوهای زبانی متناسب با روابط اجتماعی، فاصله قدرت و هنجارهای فرهنگی زبان مقصد را دربرمی‌گیرد. در سال‌های اخیر، همگام با تحولات فناوریانه، ظهور مدل‌های زبانی بزرگ و ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، چشم‌انداز آموزش زبان را دگرگون ساخته و بستری نو برای تولید و پردازش الگوهای گفتمانی تعاملی پدید آورده است. این ابزارها با بهره‌گیری از حجم عظیمی از داده‌های متنی، انرژی بالایی در ارائه درون‌داده‌های زبانی متنوع، تسریع یادگیری، و نیز عملکرد به عنوان منابع مکمل در کنار ابزارهای سنتی آموزشی دارند. با این حال، قابلیت اطمینان و میزان انطباق این فناوری‌ها با ویژگی‌های ظریف بافتی، هنجارهای ادب و کنش‌های گفتاری خاص هر زبان، به‌ویژه زبان‌های با غنای فرهنگی بالا نظیر زبان فارسی، موضوعی درخور تامل است که مستلزم ارزیابی‌های دقیق و نظام‌مند زبان‌شناختی می‌باشد.

۲. بیان مسأله

اگرچه کتاب‌های درسی آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان به عنوان مراجع رسمی و اصلی آموزش همواره در تلاش برای بازنمایی الگوهای واقعی زبان بوده‌اند؛ اما به دلیل محدودیت‌های صفحه‌آرایی و بافتی، همواره با چالش بازنمایی کامل و تنوع‌بخشی به کنش‌های گفتاری روزمره مواجه هستند. با ورود مدل‌های زبانی هوش مصنوعی به عنوان منبعی در دسترس برای تولید متن و مکالمه، زبان‌آموزان و مدرسان به‌طور فزاینده‌ای به استفاده از این فناوری‌ها روی آورده‌اند. با این وجود، مسئله اساسی آن است که آیا بروندهای تولیدشده توسط این ابزارها از منظر ویژگی‌های کاربردشناختی، بازنمایی راهبردهای ادب و انتقال مقاصد ارتباطی، با هنجارهای معیار و الگوهای عرضه‌شده در کتب آموزشی هم‌راستا هستند یا تفاوت‌های معناداری میان آن‌ها وجود دارد.

بخش عمده پژوهش‌های گذشته پیرامون هوش مصنوعی بر دقت دستوری یا پردازش متن متمرکز بوده و تحلیل تطبیقی این فناوری‌ها با محتوای کتاب‌های آموزشی از دیدگاه کاربردشناسی، به‌ویژه در حوزه زبان فارسی، با خلاء پژوهشی جدی روبروست. از این رو، مسئله محوری پژوهش حاضر، تحلیل و سنجش کیفی-تطبیقی ویژگی‌های کاربردشناختی کنش‌گفتارهای تولیدشده توسط هوش مصنوعی در مقایسه با داده‌های منتخب از کتاب‌های آموزش زبان فارسی است. این پژوهش در پی آن است تا با تکیه بر نظریه کنش‌گفتار سرل و الگوی ادب براون و لوینسون، مشخص سازد که این دو منبع تا چه میزان در بازنمایی راهبردهای زبانی و کنش‌های ارتباطی هم‌پوشانی یا تمایز دارند و آیا هوش مصنوعی در شرایط کنونی می‌تواند به عنوان منبعی معتبر و مکمل در کنار کتاب‌های آموزشی زبان فارسی به کار گرفته شود.

۳. پیشینه پژوهش

آستین (۱۹۶۲) با اتخاذ رویکردی کاربردی‌گرایانه، معتقد است زبان صرفاً ابزاری برای توصیف وقایع نیست؛ بلکه می‌تواند پیام دیگری را به صورت غیرمستقیم به مخاطب برساند. وی بر این باور است برخی جملات خبری، نه صادق هستند و نه کاذب؛ زیرا نیت گوینده پیام از بیان این کلمات تنها توصیف واقعیت نیست که بتوان ارزش صدق و کذب آن را تعیین نمود؛ بلکه هدف، انجام یک فعل توسط همین کلمات است.

سرل در کتاب کنش‌گفتارها (۱۹۶۹) به طرح موضوع کارگفت‌ها می‌پردازد. وی (۱۹۷۶) پنج دسته کنش‌گفتار را معرفی می‌کند که عبارتند از کنش‌گفتارهای اظهاری^۱، ترغیبی^۲، عاطفی^۳، تعهدی^۴ و اعلامی^۵.

در کنش اظهاری، گوینده عقیده و نظر خود را درباره چگونگی امور و صدق یا کذب وقایع بیان می‌کند. نمونه‌هایی از افعال در زبان فارسی که بیانگر این نوع کنش هستند عبارتند از: ابرازکردن، اظهارکردن، تأیید-کردن، تکذیب‌کردن، معرفی‌کردن، گزارش‌دادن، دفاع‌کردن، تصحیح‌کردن و بحث‌کردن.

در کنش ترغیبی، گوینده با استفاده از واژگان و جملات مخاطب را ترغیب به انجام کاری می‌کند که در واقع خواست و تمایلات گوینده را بیان می‌کند. درخواست‌ها و پرسش‌ها، توصیه‌کردن، تشویق‌کردن، اجازه-دادن، دعوت‌کردن، پیشنهاددادن، پند و اندرز دادن، نمونه‌هایی از کنش‌های ترغیبی هستند.

کنش‌های عاطفی آن دسته از کنش‌هایی هستند که گوینده احساس خود را بیان می‌کند. این نوع کنش در فارسی با افعالی همچون تبریک‌گفتن، شکایت‌کردن، تعجب و همدردی‌کردن بیان می‌شود.

کنش تعهدی، تعهد گوینده برای انجام کاری در آینده را نشان می‌دهد. نمونه‌هایی از افعالی که در زبان فارسی این کنش را بیان می‌کنند عبارتند از قول‌دادن، سوگندخوردن، متعهدشدن، موافقت‌کردن و داوطلب شدن.

در کنش‌های اعلامی، گوینده‌ای که صلاحیت اعلام شرایط تازه را دارد، شرایطی جدید را برای مخاطب اعلام می‌کند. چند نمونه از افعالی که این کنش را شامل می‌شوند عبارتند از: اعلام‌کردن، اخراج‌کردن، باطل-کردن، نام‌گذاری‌کردن، پایان‌دادن و منصوب‌کردن.

سرل همچنین بین منظور گوینده و معنای گزاره‌ها تمایز قائل می‌شود و معتقد است: اگر منظور گوینده با معنی جمله بر هم منطبق باشند، کنش‌گفتار از نوع مستقیم^۶ (صریح) و اگر در پاره‌گفتاری معنای جمله آن چیزی باشد که در ذهن گوینده است؛ بنابراین غیرمستقیم^۷ (غیرصریح یا ضمنی) خواهد بود. آنچه می‌تواند باعث ایجاد یک کنش‌گفتار غیرمستقیم شود، رعایت ادب است (ایشانی و نعمتی، ۱۳۹۳: ۳۱).

۱. Assertive act

۲. Directive act

۳. Expressive act

۴. Commissive act

۵. Declaration act

۶. Explicit

۷. Implicit

کاربردشناسی، مطالعه کنش ارتباطی در یک بافت اجتماعی- فرهنگی است. کنش ارتباطی نه تنها شامل استفاده از کنش‌گفتارها، عذرخواهی، شکایت‌کردن، تعریف‌کردن و درخواست‌کردن می‌شود؛ بلکه انواع گفتمان و مشارکت در رویدادهای گفتاری با سطوح مختلفی از ساختار و پیچیدگی را در بر می‌گیرد (رز و کاسپر، ۲۰۰۱). کنش‌گفتارها جنبه مهمی از کاربردشناسی زبان هستند که معانی خاص را که مشارکین یک گفتمان بنا بر دانش زمینه‌ای خود و تفسیری که از بافت متن دارند و به اجزای تشکیل دهنده متن نسبت می‌دهند، مورد بحث قرار می‌دهد (فرکلاف، ۱۳۸۷: ۲۳۵).

ارزش‌های کنش‌گفتارها تنها بر اساس ویژگی‌های صوری کلام مشخص نمی‌شوند؛ بلکه بافت متنی کلام، بافت بینامتنی، بافت موقعیتی و عناصر دانش زمینه‌ای را نیز مورد استفاده قرار خواهد داد (همان). بررسی تعامل‌های بینافردی در کاربردشناسی زبان می‌تواند به شناخت ساختارهای زبانی و نیز تأثیری که عناصر مختلف بر پیش بردن تعاملات و نحوه یادگیری زبان دارد، کمک کند (پورسیاه، ۱۳۹۷).

راهبردهای کنش‌های ارتباطی بسته به بافت تغییر می‌کند (بلوم کالکا، هاوس و کاسپر ۱۹۸۹) به ویژه تحت تأثیر عواملی مانند قدرت، فاصله اجتماعی و روانی و میزان تحمیل موجود در کنش ارتباطی؛ عواملی که در نظریه ادب براون و لوینسون (۱۹۸۷) به آنها اشاره شده است. براون و لوینسون (۱۹۸۷) در کتاب «ادب: برخی اصول جهانی در کاربرد زبانی» نظریه ادب را بر اساس مفهوم وجهه ارائه کرده‌اند.

این نظریه بر ضرورت تغییر کانون توجه پژوهش‌ها تأکید دارد، بدان معنا که به جای تمرکز رایج بر هویت‌گوینده^۱ به الگوهای دوسویه تعامل کلامی^۲ به عنوان نمودی از روابط اجتماعی کنش‌گران زبان نیز توجه شود. همچنین به جای تأکید صرف بر کاربرد صورت‌های زبانی، بر روابط میان صورت‌های زبانی و فرایندهای پیچیده استنباط تأکید شود. بنا به گفته براون و لوینسون (۱۹۸۷: ۲) در حوزه کاربردشناسی زبان بخش قابل توجهی از ناهماهنگی میان آنچه که صراحتاً بیان می‌شود و آنچه که به طور ضمنی القا می‌شود را به ادب زبان می‌توان نسبت داد. بنابراین تمرکز بر کارکردهای بازنمودی^۳ زبان باید با توجه به کارکردهای اجتماعی^۴ تکمیل شود؛ چرا که به نظر می‌رسد بسیاری از جزییات زبانی ریشه در همین کارکردهای اجتماعی دارند. همچنین کاربردهای زبان‌شناسی، اعم از آموزش زبان دوم یا بررسی دشواری‌های ارتباط میان قومیتی مستلزم توجهی شایسته به این کارکردهای اجتماعی بنیادین هستند.

وکیلی‌فرد و دیگران (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای روی کنش‌گفتارهای کتاب آموزش زبان فارسی نشان داده‌اند که منابع مورد بررسی از لحاظ کاربردشناسی زبان برای زبان‌آموزان مناسب نیست و از عدم توازن در توزیع کنش‌گفتارها برخوردار است. نتایج پژوهش ایشان نشان داده است که کنش‌گفتارها بیشتر از نوع اظهاری، ترغیبی و عاطفی بوده‌اند و سایر کنش‌گفتارها یا وجود نداشتند یا به صورت محدود بودند. آنها بر این باورند شایسته است که کتاب‌های آموزش زبان فارسی توضیحاتی را پیرامون کاربرد مناسب کنش‌گفتارها در زبان فارسی با توجه به روابط اجتماعی میان گفت‌وگو کنندگان، تفاوت جایگاه اجتماعی و سایر عوامل بافتی ارائه دهند.

۱. speaker identity

۲. dyadic patterns of verbal interaction

۳. representational functions

۴. social functions

بیشتر مطالعات کاربردشناسی در زمینه هوش مصنوعی از اصل گرایس استفاده می‌کنند تا بررسی کنند، آیا خروجی‌های هوش مصنوعی از قواعد کیفیت، کمیت، ارتباط و شیوه پیروی می‌کنند یا خیر. دیگر مطالعات نیز به بررسی کنش‌گفتارها و معانی ضمنی آنها می‌پردازند. این پژوهش‌ها نشان داده‌اند که هوش مصنوعی در توانایی‌های کاربردشناختی دچار کاستی‌هایی می‌باشد (گادوین، ۲۰۲۴). بررسی‌های گادوین (همان) نشان می‌دهد که با وجود پیشرفت سریع ابزار هوش مصنوعی، همچنان کاستی‌ها و محدودیت‌هایی در زمینه تعاملات اجتماعی و فرهنگی در آن مشاهده می‌شود. اگرچه هوش مصنوعی در آموزش زبان دوم می‌تواند بازخوردهایی را درباره دستور زبان، ساختار و واژگان و اصلاح خطاها ارائه دهد؛ اما خروجی آن نمی‌تواند زبان‌آموز را در کسب رفتارهای کاربردشناختی و توانایی مواجهه با موقعیت‌های پیچیده به طور کامل یاری نماید. وی تأکید می‌کند توسعه توانش کاربردشناختی از طریق تعامل واقعی با گویشوران امکان‌پذیر است؛ بنابراین هوش مصنوعی باید به عنوان ابزاری مکمل در آموزش زبان تلقی شود و نه جایگزینی برای تعامل انسانی.

۴. مبانی نظری

نظریه کنش‌گفتار که یکی از مباحث مهم در تحلیل گفتمان زبان‌شناسی به شمار می‌آید، ابتدا توسط آستین، یکی از پیشگامان فلسفه زبان، مطرح شد. نظریه کنش‌گفتار آستین در واقع مخالف با مبنای نگرش معنی-شناسان منطقی بود؛ چرا که آنها بر این باور بودند گونه اصلی جملات زبان، جملات خبری هستند، کاربرد اصلی زبان، اطلاع دادن از طریق جملات است و می‌توان صدق یا کذب معنی پاره‌گفتارها را تعیین کرد. صفوی (۱۳۸۳: ۱۷۳-۱۷۴)

بر اساس نظریه آستین، تنها جملات اصلی زبان جملات خبری نیستند و نمی‌توان ارزش صدق و کذب همه جملات را تعیین نمود. وی (۱۹۶۲: ۶) معتقد است، هدف از بیان جملات کنشی^۱ (جملات معناداری که خبری نیستند)، توصیف یک وضعیت یا یک حالت نیست؛ بلکه هدف از بیان این جملات، توصیف خود عمل است. آستین این جملات کنشی را به سه دسته کنش‌های بیانی^۲، کنش‌های غیربیانی^۳ یا منظوری و کنش‌های تأثیری^۴ طبقه‌بندی کرده است که محور تحلیل زبان از دیدگاه وی، کنش‌های منظوری است. سپس شاگرد وی، جان سرل به بسط و گسترش این نظریه پرداخت. سرل (۱۹۷۵) در مقاله‌ای درباره کنش‌گفتارهای غیرمستقیم، میان کنش‌های بیانی و منظوری تمایز قائل شد. سرل بیان می‌کند در صورتی که میان معنای جمله و معنایی که گوینده در نظر دارد، مطابقت وجود داشته باشد، این کنش‌گفتار مستقیم (صریح) است، و چنانچه میان معنای جمله و معنای مورد نظر گوینده مطابقتی وجود نداشته باشد، کنش‌گفتار غیرمستقیم (غیرصریح) خواهد بود. گاهی رعایت ادب زبانی، باعث ایجاد یک کنش‌گفتار غیرمستقیم یا ضمنی می‌شود. آقاگل‌زاده (۱۳۹۰) رعایت ادب را مهمترین دلیل غیرمستقیم بودن کنش‌های امری می‌داند. همانطور که پیش‌تر گفته شد، سرل طبقه‌بندی پنج‌گانه‌ای را معرفی نموده است: کنش-گفتارهای اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی، و اعلامی. با در نظر داشتن این طبقه‌بندی، داده‌های مورد بررسی در این پژوهش، که شامل درخواست، دعوت، پیشنهاد و عذرخواهی می‌شوند، در دسته کنش-گفتارهای ترغیبی و عاطفی قرار می‌گیرند.

۱. Performative Sentence

۲. Locutionary

۳. Illocutionary

۴. Perlocutionary

براون و لوینسون (۱۹۸۷) چهار راهبرد زبانی را مطرح می‌کنند که عبارتند از ادب مثبت^۱ (به طور کلی برای بیان همبستگی) ادب منفی^۲ (به طور کلی برای بیان احترام و خویش‌داری) ادب غیرمستقیم^۳ (به طور کلی برای پرهیز از تحمیل صریح و مستقیم) و ادب مستقیم^۴ و بدون پوشش ادبی. ایشان مفهوم وجهه^۵ را مطرح می‌کنند و آن را خودانگاره یا تصویری از خود در عرصه عمومی می‌دانند که هر فردی تمایل به حفظ آن را دارد. دو جنبه وجهه شامل وجهه مثبت و وجهه منفی می‌شود. منظور از وجهه مثبت تصویر مثبت و باثباتی است که فرد از خود یا شخصیت خود ارائه می‌دهد و انتظار دارد از سوی مشارکت‌کنندگان تعامل مورد تایید، تحسین و پذیرش واقع شود. وجهه منفی ادعای بنیادین فرد نسبت به قلمروهای شخصی حریم خصوصی و حقوق فردی خود است؛ یعنی حق برخورداری از آزادی عمل و رهایی از تحمیل، مزاحمت یا دخالت دیگران (همان: ۶۱). براون و لوینسون (همان: ۶۵) معتقدند که برخی کنش‌ها ذاتاً تهدیدکننده وجهه^۶ هستند؛ یعنی کنش‌هایی که به دلیل ماهیت‌شان با خواسته‌های مربوط به وجهه مخاطب، و یا گوینده در تعارض هستند. آنها بیان می‌کنند که برخی از این کنش‌های تهدیدکننده وجهه، می‌توانند وجهه مثبت یا منفی شنونده و یا حتی وجهه مثبت یا منفی خود گوینده را نیز تهدید کنند. کنش‌هایی مانند درخواست کردن، دستور دادن، توصیه کردن، یادآوری کردن، تهدید کردن، پیشنهاد دادن می‌تواند تهدیدکننده وجهه منفی مخاطب باشد و کنش‌هایی مانند انتقاد، سرزنش، توهین، بی‌توجهی، لاف‌زدن می‌تواند وجهه مثبت مخاطب را مورد تهدید قرار دهد. از سوی دیگر کنش‌هایی مانند عذرخواهی و اعتراف، تهدیدکننده وجهه مثبت گوینده و تشکر، پذیرش پیشنهاد، تعهد ناخواسته یا قول دادن، تهدیدکننده وجهه منفی گوینده به شمار می‌آید. (براون و لوینسون: ۶۵-۶۸).

۵. روش تحقیق و یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی و مبتنی بر پیکره است که در آن، ویژگی‌های کاربردشناختی داده‌های زبانی برآمده از کتاب‌های درسی و مدل زبانی هوش مصنوعی مورد ارزیابی قرار گرفته است. در ادامه، نحوه‌گزینش پیکره، معیارهای انتخاب جملات و سازوکار طراحی پرامپت‌ها به تفصیل تشریح می‌شود.

۵.۱. جامعه آماری و پیکره پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه داده‌های مکالمه‌ای و تعاملی موجود در دو کتاب آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و همچنین خروجی‌های متناظر تولیدشده توسط مدل زبانی بزرگ است. پیکره نهایی تحلیل شامل ۴۸ پاره‌گفتار در قالب دو مجموعه مستقل اما متناظر (هر مجموعه شامل ۲۴ جمله) به شرح زیر است:

۱. پیکره کتاب‌های آموزشی (۲۴ جمله): برگرفته از دو کتاب معتبر «فارسی بیاموزیم»^۷ (ذوالفقاری و همکاران، دوره میانه) و «مینا»^۸ (صحرائی و همکاران، سطح پیش‌میان و میانی).

۱. Positive Politeness

۲. Negative Politeness

۳. Off-record

۴. Bald on-record

۵. Face

۶. Face threatening act

۷. کتاب فارسی بیاموزیم، جلد ۲، ویراست ۲، نوشته ذوالفقاری و دیگران، انتشارات مدرسه
۸. کتاب مینا، ویراست ۲، نوشته صحرائی و دیگران، انتشارات آرفا بنیاد سعدی

۲. پیکره هوش مصنوعی (۲۴ جمله): تولیدشده توسط مدل زبانی (GPT (ChatGPT-۵/۵)

در موقعیت‌های ارتباطی همسان.

در هر دو منبع، چهار کنش‌گفتار پرکاربرد شامل درخواست^۱، دعوت^۲، عذرخواهی^۳ و پیشنهاد^۴ (هر کدام ۶ نمونه) مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۲.۵. روش گردآوری داده‌ها و معیارهای گزینش

(الف) معیارهای انتخاب جملات از کتاب‌های آموزشی

روش نمونه‌گیری از کتاب‌های آموزشی به‌صورت هدفمند (Purposive Sampling) انجام شد. برای جلوگیری از سوگیری و تضمین اعتبار کاربردها، معیارهای گزینش زیر اعمال گردید:

۱. داشتن کارکرد ارتباطی و بافت‌مند: تنها جملاتی انتخاب شدند که در بافت یک مکالمه تعاملی واقعی رخ داده و واجد یک کنش‌گفتار مشخص (درخواست، دعوت، عذرخواهی یا پیشنهاد) باشند. جملات منفرد و تمرین‌های صرفاً ساختاری/دستوری (فاقد بافت موقعیتی) از فرایند گزینش حذف شدند.

۲. تنوع موقعیتی و متغیرهای جامعه کاربردها: موقعیت‌هایی انتخاب شدند که سطوح مختلفی از متغیرهای فاصله اجتماعی، تفاوت قدرت و درجه تحمیل را بازنمایی کنند (شامل موقعیت‌های رسمی، نیمه‌رسمی و خودمانی میان همکاران، استاد-دانشجو، دوستان و افراد ناشناس).

۳. وضوح نشانه‌گرهای زبانی: پاره‌گفتارهایی برگزیده شدند که مرزهای کنش و راهبردهای ادب (مستقیم یا غیرمستقیم) در آن‌ها شفاف و قابل تحلیل در چارچوب نظری پژوهش باشد.

(ب) معیارهای طراحی و متن پرامپت‌های ثابت

برای تولید داده‌های متناظر توسط مدل هوش مصنوعی، به‌منظور برقراری روایی تطبیقی و یکپارچگی داده‌ها، از پرامپت‌های ثابت با ساختار موقعیت‌محور استفاده شد. معیارهای حاکم بر تدوین پرامپت‌ها عبارت بودند از:

۱. همسان‌سازی بافت موقعیتی^۵: بافت و سناریوی ارتباطی موجود در کتاب (نقش‌گوینده و شنونده، میزان آشنایی، و موضوع تعامل) عیناً در متن پرامپت توصیف شد تا متغیرهای دیگر ثابت نگه داشته شوند.

۲. خنثی‌بودن زبان پرامپت: در متن دستورات از واژگان راهنما یا ساختارهای زبانی خاصی که مدل را به سمت استفاده از یک راهبرد ادب از پیش تعیین‌شده (مانند اصرار بر تعارف یا امری بودن) سوق دهد، پرهیز شد.

۳. تعیین فرمت و تعداد خروجی: از مدل خواسته شد در پاسخ به هر بافت معین، جملات طبیعی، متداول و کاربردی در زبان فارسی معیار ارائه دهد.

الگوی قالب پرامپت‌های ثابت:

«فرض کن در موقعیت ارتباطی زیر قرار داری: [توصیف مختصر بافت: نقش‌گوینده، مخاطب، میزان رابطه و موضوع]. لطفاً ۶ پاره‌گفتار طبیعی و متداول به زبان فارسی برای بیان کنش [نوع کنش‌گفتار: مثلاً درخواست / عذرخواهی] تولید کن».

۱.Request

۲.Invitation

۳.Apology

۴.Suggestion

۵.Contextual Equivalence

نمونه پرامپت‌های اجراشده برای کنش‌ها:

پرامپت درخواست: «به عنوان یک دانشجو قصد دارید از مسئول ثبت نام بخواهید در فرایند ثبت نام به شما کمک کند (فاصله اجتماعی و قدرت بالا). پاره‌گفتار فارسی طبیعی برای این درخواست ارائه دهید».

پرامپت عذرخواهی: «شما قرار ملاقات با همسران را به دلیل ترافیک از دست داده‌اید. جمله متداول فارسی برای عذرخواهی در این موقعیت بنویسید».

پرامپت دعوت: «شما می‌خواهید یکی از دوستان صمیمی خود را به صرف شام در منزل دعوت کنید. جمله متداول برای این دعوت بنویسید».

پرامپت پیشنهاد: «هم‌کلاسی شما برای امتحانات دچار سردرگمی شده است. پاره‌گفتار پیشنهادی برای ارائه راهکار به او تولید کنید».

۵.۳. روش تحلیل داده‌ها

داده‌های گردآوری‌شده از هر دو منبع در سطح کیفی و کمی تحلیل شدند:

۱. سطح کنش‌گفتاری (نظریه سرل، ۱۹۷۶): طبقه‌بندی کنش‌ها به دسته‌های ترغیبی و عاطفی و بررسی مستقیم یا غیرمستقیم بودن کنش‌گفتارها.
۲. سطح ادب و تهدید وجهه (براون و لوینسون، ۱۹۸۷): تعیین راهبردهای چهارگانه (ادب مستقیم بدون پوشش ادبی، ادب مثبت، ادب منفی، و ادب غیرمستقیم/تلویحی).
۳. شاخص کمی تهدید وجهه (FTA): محاسبه میزان تهدید وجهه با ارزیابی سه متغیر فاصله اجتماعی^۱، نسبت قدرت^۲ و درجه تحمیل^۳ که امتیاز هر متغیر در مقیاس لیکرت ۱ (بسیار کم) تا ۵ (بسیار زیاد) توسط پژوهشگر تعیین و میانگین آن به عنوان شاخص تهدید وجهه هر کنش گزارش شد.

۵.۳.۱. داده‌های کتاب‌های آموزشی

۵.۳.۱.۱. کنش‌گفتار درخواست: ترغیبی

داده‌های جدول ۱.۱ که طبق طبقه‌بندی سرل، در دسته کنش‌گفتارهای ترغیبی قرار می‌گیرند، بیشترین تنوع راهبردی را نشان می‌دهند و شدت تهدید کنندگی وجهه نیز متناسب با بافت اجتماعی تغییر می‌کند. بالاترین میانگین FTA مربوط به موقعیت نهادی «مسئول - مراجعه‌کننده در جمله ۱» می‌باشد که در آن قدرت و فاصله اجتماعی نسبتاً بالاست؛ ازاین‌رو، استفاده از ادب منفی در قالب «لطفاً» را می‌توان تلاشی برای کاهش تحمیل درخواست دانست. در مقابل، در تعامل میان دوستان، کاهش قدرت و فاصله اجتماعی امکان استفاده از صورت‌های مستقیم‌تر و کم‌تهدیدتر را فراهم کرده است. نمونه «من یه پرس کوییده می‌خورم با سالاد» نیز نشان می‌دهد که در بافت و موقعیتی مانند رستوران، درخواست می‌تواند به صورت غیرمستقیم و بدون بیان صریح فعل درخواست صورت گیرد. بنابراین، داده‌ها نشان می‌دهند که انتخاب راهبرد صرفاً تابع ساختار دستوری نیست، بلکه با قدرت، فاصله اجتماعی و میزان تحمیل در بافت ارتباطی، پیوند دارد. استفاده از واژه‌هایی همچون «لطفاً»، «ممکن است» و یا «ساختارهای

۱.Distance

۲.Power

۳.Ranking of imposition

پرسشی» می‌توانند به صورت تعدیل‌کننده عمل کنند تا از میزان تهدید وجهه بکاهند.

جدول ۱.۱. کنش گفتار درخواست

جمله	راهبرد ادب	طبقه‌بندی مستقیم / غیر مستقیم	P	D	R	میانگین FTA
۱. لطفا این برگه را پر کنید.	Negative politeness	مستقیم / صریح	۴	۵	۳	۴,۰۰
۲. خانه را تمیز کن.	Bald on-record	مستقیم / صریح	۲	۱	۴	۲,۳۳
۳. بلیت لطفا.	Bald-on record	مستقیم / صریح	۴	۵	۱	۳,۳۳
۴. ممکن است در را ببندی؟	Negative politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۵. من یه پرس کوبیده می خورم با سالاد.	Off-record	غیر مستقیم	۲	۴	۲	۲,۶۷
۶. می شود آن را ببینم؟	Negative politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
میانگین کل FTA: ۲/۵۰ * در کنش گفتارهای درخواست، وجهه منفی شنونده تهدید می‌شود. (H's negative face)						

۵.۳.۱.۲. کنش گفتار دعوت: ترغیبی

در داده‌های مربوط به کنش گفتار دعوت که در جدول ۲.۱. مشاهده می‌شود، بیشتر داده‌ها دارای راهبرد ادب مثبت هستند. غالب بودن ادب مثبت می‌تواند با ماهیت رابطه‌ساز بودن این کنش مرتبط باشد. کنش گفتار دعوت، برخلاف درخواست، صرفاً انتقال یک خواسته نیست؛ بلکه ایجاد یا تقویت مشارکت و روابط اجتماعی را نیز به دنبال دارد به همین دلیل، ساخت‌هایی مانند «باهم» و صورت‌های دعوت‌کننده در تعامل میان دوستان برجسته هستند. پایین بودن میانگین FTA نیز با صمیمیت روابط و پایین بودن فاصله اجتماعی در بیشتر موقعیت‌ها سازگار است. تنها در موقعیت دعوت از اقوام (مانند جمله شماره ۱)، افزایش نسبی فاصله و میزان تحمیل با استفاده از صورت محترمانه «تشریف بیارین» همراه شده است؛ بنابراین، الگوی داده‌ها نشان می‌دهد که در کنش گفتار دعوت، حفظ و تقویت رابطه اجتماعی می‌تواند بر کاهش تحمیل به شیوه ادب منفی اولویت پیدا کند.

جدول ۲.۱. کنش‌گفتار دعوت

جمله	راهبرد ادب	مستقیم / غیر مستقیم	P	D	R	FTA
۱. آخر هفته برای شام تشریف بیارین خونه ما.	Positive politeness	مستقیم	۱	۳	۳	۲,۳۳
۲. میای اینجا با هم عصر و نه بخوریم؟	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۳. بچه‌ها میان که با هم عصر و نه بخوریم، خوشحال میشم تو هم بیای.	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۴. حتما با برادرت بیا.	Bald on-record	مستقیم	۱	۱	۳	۱,۶۷
۵. بیا با هم به سینما برویم.	Positive politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۶. پس بیا فردا با هم به بازار برویم.	Positive politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
میانگین کل FTA: ۱/۵۵ * در کنش‌گفتارهای دعوت، وجهه منفی شنونده تهدید می‌شود. (H's negative face)						

۵.۳.۱. کنش‌گفتار عذرخواهی: عاطفی

در داده‌های کنش‌گفتار عذرخواهی می‌توان الگوی نسبتاً یکدست و منسجمی را مشاهده کرد. تمام نمونه‌ها در چارچوب راهبرد ادب منفی قرار گرفته‌اند. این یکدستی می‌تواند به سبب ماهیت تهدیدکننده بودن وجهه در کنش‌گفتار عذرخواهی باشد؛ زیرا گوینده با پذیرش مسئولیت یک رفتار نامطلوب، نیازمند ترمیم رابطه و کاهش پیامد منفی آن برای مخاطب است. در روابط صمیمی زن و شوهر، پایین بودن P و D باعث شده است تا شدت تهدید شدن وجهه پایین باقی بماند، درحالی‌که در رابطه مادر و فرزند، تفاوت قدرت موجب افزایش FTA شده است. بنابراین، اگرچه رابطه صمیمی شدت تهدید را کاهش می‌دهد، اما تفاوت قدرت می‌تواند در همان رابطه صمیمی نیز بر شدت تهدید اثرگذار باشد.

جدول ۳.۱. کنش‌گفتار عذرخواهی

جمله	راهبر د ادب	مستقیم / غیر مستقیم	P	D	R	FTA
۱. ببخشید که دیر اومدم.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۲. ببخشید ناکسی گیرم نیومد.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۳. ببخشید مامان، امروز خیلی کار دارم.	Negative politeness	مستقیم	۲	۱	۳	۲,۰۰
۴. معذرت می‌خواوم	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۵. ببخشید خواب موندم.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۶. واقعا معذرت می‌خواوم.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
میانگین کل FTA : ۱/۴۴ * در کنش‌گفتار عذرخواهی، وجهه مثبت گوینده تهدید می‌شود. (S's positive face)						

۵.۳.۱.۴. کنش‌گفتار پیشنهاد: ترغیبی

داده‌های جدول کنش‌گفتار پیشنهاد، عمدتاً به سمت غیرمستقیم بودن و حفظ وجهه مخاطب گرایش دارد به گونه‌ای که روابط اجتماعی مقدم بر صراحت دستوری واقع شده است. غلبه ادب مثبت و غیرمستقیم‌بودن را می‌توان ناشی از ماهیت مشارکتی بودن این کنش دانست. بیشتر پیشنهادها در رابطه میان دوستان رخ داده‌اند؛ بنابراین میزان قدرت و فاصله اجتماعی پایین است و گوینده می‌تواند با استفاده از صورت‌هایی مانند «چطوره»، «میای» و «می‌تونیم» پیشنهاد را به صورت مشارکتی مطرح کند تا میزان تحمیل را بکاهد. در مواردی که میزان تحمیل بالقوه افزایش می‌یابد، مانند پیشنهاد تغییر گوشی یا خرید دارو، استفاده از صورت‌های غیرمستقیم‌تر امکان حفظ اختیار مخاطب را فراهم می‌کند. در نتیجه، داده‌ها نشان می‌دهند که در این کنش-گفتار، هدف اصلی نه صرفاً انتقال یک گزینه، بلکه ایجاد توافق و حفظ توازن رابطه اجتماعی است.

جدول ۱. ۴. کنش‌گفتار پیشنهاد

جمله	راهبرد ادب	مستقیم / غیر مستقیم	P	D	R	FTA
۱. تو هم اگر دلت می‌خواهد گوشی‌ات را عوض کن.	Negative politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۴	۲,۰۰
۲. چطوره بریم سینما؟	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۳. بیا برای شام بریم رستوران.	Positive politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۴. میای بریم پارک پیاده روی.	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۵. به زنگ بهش بزنیم.	Positive politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۶. من قدری پول دارم می توانیم با آن دارو بخریم.	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۳	۱,۶۷
میانگین کل FTA: ۱/۵۰ * در کنش‌گفتارهای پیشنهاد، وجهه منفی شنونده تهدید می‌شود (H's negative face)						

۵. ۳. ۲. داده‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی

۵. ۳. ۱. در داده‌های تولید شده توسط هوش مصنوعی، راهبرد ادب منفی در درخواست‌ها پرتکرار است و بیشتر نمونه‌ها با صورت‌های تعدیل شده و غیرمستقیم بیان شده‌اند. این الگو به‌ویژه در موقعیت‌های رسمی مانند ثبت‌نام، رستوران یا فرودگاه برجسته است؛ موقعیت‌هایی که افزایش فاصله اجتماعی یا تفاوت قدرت، استفاده از راهبردهای گاهنده تحمیل را توجیه می‌کند. با این حال، حتی در موقعیت دوستانه نیز صورت‌هایی مانند «ممکن است» و «اگر امکان دارد» مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده گرایش به داشتن احتیاط کاربرشناختی است. این الگو ممکن است از یک سو با ساختار پرامپت و تأکید آن بر تولید جملات طبیعی برای زبان‌آموز سطح میانی و از سوی دیگر با گرایش مدل زبانی به تولید صورت‌های مؤدبانه و قابل تعمیم مرتبط باشد. بنابراین، نمی‌توان این ویژگی را صرفاً به تفاوت فرهنگی نسبت داد.

جدول ۲. ۱. کنش‌گفتار درخواست

جمله	راهبرد ادب	مستقیم / غیر مستقیم	P	D	R	FTA
۱. ممکن است منوی غذا را برایم بیاورید؟	Negative politeness	غیر مستقیم	۲	۴	۲	۲,۶۷
۲. لطفا راهنمایی کنید برای تکمیل مراحل ثبت نام چه مدارکی لازم است؟	Negative politeness	مستقیم	۴	۵	۳	۴,۰۰
۳. ممکن است بگویید گیت پرواز تهران کدام است؟	Negative politeness	غیر مستقیم	۲	۴	۲	۲,۶۷
۴. اگر امکان دارد قبل از رفتن زیاله‌ها را بیرون ببر.	Negative politeness	غیر مستقیم	۲	۱	۴	۲,۳۳
۵. می‌شود این آخر هفته با هم برای دیدن نمایشگاه برویم؟	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۶. ممکن است تکالیف فارسی ام را برایم توضیح دهی؟	Negative politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۳	۱,۶۷
میانگین کل FTA : ۲/۴۴ * این کنش‌گفتار وجهه منفی شنونده را تهدید می‌کند (H's negative face)						

۵. ۳. ۲. در خروجی هوش مصنوعی، کنش‌گفتار دعوت، ترکیبی از راهبردهای ادب مثبت و منفی را نشان می‌دهد، اما تقریباً همه نمونه‌ها به شکل غیرمستقیم صورت‌بندی شده‌اند. استفاده از ساختارهایی مانند «اگر وقت داری»، «اگر برنامه‌ای نداری» و «مایل هستی» اختیار مخاطب را برجسته می‌کند و از تحمیل دعوت می‌کاهد. در عین حال، کاربرد «خوشحال می‌شوم» و «با هم» نشان‌دهنده تلاش برای ایجاد همبستگی و حفظ وجهه مثبت مخاطب است. بنابراین، خروجی هوش مصنوعی در این کنش‌گفتار نوعی هم‌نشینی دو شیوه ادب را نشان می‌دهد: کاهش تحمیل از طریق ادب منفی و تقویت رابطه از طریق ادب مثبت. این امر می‌تواند بیانگر تلاش مدل زبانی برای تولید صورت‌هایی باشد که در طیف گسترده‌ای از روابط اجتماعی قابل قبول باشند.

جدول ۲. کنش گفتار دعوت

جمله	راهبرد ادب	مستقیم/ غیر مستقیم	P	D	R	FTA
۱. اگر وقت داری دوست دارم آخر هفته تو را به یک قهوه دعوت کنم.	Negative politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۲. اگر برنامه ای نداری خوشحال میشوم امشب مهمان من باشی.	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۳. مایل هستی این جمعه به خانه ما برای شام تشریف بیاورید؟	Negative politeness	غیر مستقیم	۲	۳	۳	۲,۶۷
۴. باعث خوشحالی ماست اگر در مراسم تولد ما شرکت کنید.	Positive politeness	غیر مستقیم	۲	۳	۳	۲,۶۷
۵. از شما دعوت می کنم در دور همی خانوادگی ما حضور داشته باشید.	Negative politeness	مستقیم	۲	۳	۳	۲,۶۷
۶. میخواهی فردا با هم به سینما برویم؟ من دعوت می کنم.	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
میانگین کل FTA: ۲/۰۰ * این کنش گفتار، وجهه منفی شنونده را تهدید می کند (H's negative face)						

۵. ۳. ۳. در داده های هوش مصنوعی، همانند داده های کتاب آموزشی، تمام نمونه های کنش گفتار عذرخواهی با راهبرد ادب منفی و به صورت مستقیم تولید شده اند و میانگین FTA نیز پایین است. این همسانی را می توان تا حدی ناشی از ماهیت نسبتاً تثبیت شده کنش عذرخواهی دانست؛ زیرا بیان مستقیم عذرخواهی مانند «بخشید» و «معذرت می خواهم» یکی از صورت های متعارف ترمیم وجهه در زبان فارسی است. با این حال، افزودن توضیحاتی مانند «ترافیک خیلی سنگین بود»، «کارم طول کشید» و «قصد بدی نداشتم» نشان می دهد که مدل زبانی در کنار عذرخواهی، به ارائه توجیه یا کاهش مسئولیت نیز گرایش دارد؛ بنابراین، در این بخش، تفاوت میان کتاب و هوش مصنوعی کمتر از سایر کنش گفتارهاست و این امر می تواند نشان دهنده ثبات بیشتر الگوی کاربردی عذرخواهی نسبت به درخواست و پیشنهاد باشد.

جدول ۲.۳. کنش‌گفتار عذرخواهی

جمله	راهبرد ادب	مستقیم / غیر مستقیم	P	D	R	FTA
۱. ببخشید که دیر آمدم ترافیک خیلی سنگین بود.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۲. معذرت می‌خواهم که پیام هایت را دیر جواب دادم.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۳. مادر جان ببخشید که امروز به حرفت گوش نکردم.	Negative politeness	مستقیم	۲	۱	۳	۲,۰۰
۴. معذرت می‌خواهم که دیر به خانه آمدم کارم طول کشید.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۵. ببخشید که امروز زود ناراحت شدم خسته بودم.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۶. معذرت می‌خواهم اگر باعث شدم ناراحت بشوی قصد بدی نداشتم.	Negative politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
میانگین کل FTA : ۱/۴۴ * در این کنش‌گفتار وجهه مثبت گوینده تهدید می‌شود (S's positive face)						

۵. ۳. ۴. در کنش‌گفتارهای پیشنهاد که توسط هوش مصنوعی تولید شده است، راهبرد ادب مثبت پرتکرار است و بیشتر نمونه‌ها غیرمستقیم هستند. استفاده مکرر از صورت‌هایی مانند «با هم»، «اگر موافقی» و «نظرت چیست» پیشنهاد را از یک دستور یا تحمیل فردی به فعالیت مشارکتی تبدیل می‌کند. پایین بودن قدرت و فاصله اجتماعی در تمام موقعیت‌ها نیز با رابطه دوستانه مفروض در پرامپت سازگار است و در نتیجه، میانگین FTA پایین باقی می‌ماند. جالب آنکه مدل زبانی حتی در مواردی که امکان بیان مستقیم پیشنهاد وجود دارد، اغلب آن را در قالب مشارکتی صورت‌بندی کرده است تا تحمیل کمتری را نشان دهد. الگویی که می‌تواند با گرایش مدل زبانی به تولید پاسخ‌های اجتماعی کم‌خطر و قابل قبول برای طیف وسیعی از مخاطبان مرتبط باشد.

جدول ۲. ۴. کنش‌گفتار پیشنهاد

جمله	راهبرد ادب	مستقیم / غیر مستقیم	P	D	R	FTA
۱. چطور است بعد از کلاس با هم به پارک برویم؟	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۲. پیشنهاد می‌کنم امروز یک غذای جدید در این رستوران امتحان کنیم.	Positive politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۳. بهتر است برای امتحان با هم درس بخوانیم.	Negative politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۳	۱,۶۷
۴. نظرت چیست امشب یک فیلم ببینیم؟	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۵. پیشنهاد می‌دهم فردا با هم برای خرید به بازار برویم.	Positive politeness	مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
۶. اگر موافقی، آخر هفته با هم فوتبال بازی کنیم.	Positive politeness	غیر مستقیم	۱	۱	۲	۱,۳۳
میانگین کل FTA: ۱/۳۹ * این کنش‌گفتار وجهه منفی شنونده را تهدید می‌کند (H's negative face)						

۶. تحلیل آماری داده‌ها

در مجموعه نخست، راهبرد ادب منفی و ادب مثبت با درصد فراوانی ۶۷/۴۱٪ بیشترین کاربرد را داشته‌اند و راهبرد ادب مستقیم بدون پوشش ادبی با درصد فراوانی ۵۰/۱۲٪ در رتبه بعدی قرار گرفته است و راهبرد ادب غیر مستقیم با درصد فراوانی ۱۷/۴٪ کمترین میزان استفاده را داشته است.

راهبرد ادب	فراوانی	درصد فراوانی
ادب منفی	۱۰	۴۱,۶۷
ادب مثبت	۱۰	۴۱,۶۷
ادب غیر مستقیم	۱	۴,۱۷
ادب مستقیم بدون پوشش ادبی	۳	۱۲,۵۰

از مجموع ۲۴ جمله در مجموعه دوم، راهبرد ادب منفی با درصد فراوانی ۵۰/۶۲٪ بیشترین کاربرد را داشته است. و راهبرد ادب مثبت با درصد فراوانی ۵۰/۳۷٪ در رتبه بعدی قرار گرفته

است. همانطور که مشاهده می‌شود در این داده‌ها، هیچ کنش‌گفتاری با راهبرد ادب غیرمستقیم و مستقیم بدون پوشش ادبی، دیده نمی‌شود.

راهبرد ادب	فراوانی	درصد
ادب منفی	۱۵	۶۲,۵۰
ادب مثبت	۹	۳۷,۵۰
ادب غیرمستقیم	۰	۰
ادب مستقیم بدون پوشش ادبی	۰	۰

برای بررسی آنکه آیا تفاوت مشاهده شده در فراوانی راهبردهای ادب مثبت و منفی میان داده‌های کتاب‌های آموزشی و داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی از نظر آماری معنادار است یا خیر، از آزمون مجذور کای پیرسون (Pearson's Chi-square) استفاده شد. در این تحلیل، تنها دو راهبرد ادب مثبت و ادب منفی وارد آزمون شدند و راهبردهای ادب غیرمستقیم، و راهبرد ادب مستقیم بدون پوشش ادبی، به دلیل هدف مقایسه‌ای آزمون، از تحلیل آماری کنار گذاشته شدند. فراوانی مشاهده شده دو راهبرد ادب مثبت و منفی در دو منبع مورد بررسی، در جدول زیر ارائه شده است:

منبع	راهبرد ادب منفی	راهبرد ادب مثبت	مجموع
کتاب‌های آموزشی	۱۰	۱۰	۲۰
هوش مصنوعی	۱۵	۹	۲۴
مجموع	۲۵	۱۹	۴۴

نتایج آزمون مجذور کای (که در پیوست این پژوهش آمده است) نشان داد که تفاوت میان دو منبع در توزیع راهبردهای ادب مثبت و منفی از نظر آماری معنادار نیست؛ بنابراین، اگرچه در داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی فراوانی راهبرد ادب منفی بیشتر از ادب مثبت است (۱۵ در برابر ۹)، این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست و نمی‌توان آن را به‌عنوان تفاوت قطعی میان دو منبع تفسیر کرد. در نتیجه، در تفسیر گرایش توصیفی هوش مصنوعی به استفاده بیشتر از ادب منفی باید عواملی مانند حجم محدود نمونه، نوع کنش‌گفتارها و نحوه صورت‌بندی پرامپت‌ها را نیز در نظر گرفت.

۷. تحلیل داده‌ها

در مجموع، مقایسه داده‌های کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و خروجی هوش مصنوعی نشان داد که هر دو منبع از راهبردهای ادب مثبت و منفی استفاده می‌کنند؛ اما در نحوه توزیع و تنوع این راهبردها تفاوت‌هایی وجود دارد. داده‌های کتاب تنوع راهبردی بیشتری نشان دادند؛ درحالی‌که خروجی هوش مصنوعی گرایش بیشتری به ادب منفی و صورت‌های محافظه‌کارانه داشت. با این حال، آزمون مجذور کای نشان داد که تفاوت فراوانی راهبرد ادب مثبت و منفی میان دو منبع از نظر آماری معنادار نیست؛ بنابراین یافته‌ها از وجود یک تفاوت آماری قطعی حمایت نمی‌کنند؛ اما الگوی کیفی مشاهده شده می‌تواند نشان‌دهنده تفاوت در شیوه بازنمایی کاربردشناختی ادب باشد؛ تفاوتی که احتمالاً تحت تأثیر ماهیت آموزشی کتاب‌ها، بافت‌های فرهنگی و ارتباطی نمونه‌ها و نیز نحوه صورت‌بندی پرامپت‌های مورد استفاده قرار گرفته است. در نتیجه، خروجی هوش مصنوعی را نمی‌توان صرفاً جایگزینی هم‌ارز برای داده‌های آموزشی کتاب‌ها در نظر گرفت، بلکه باید آن را الگویی زبانی دانست که در کنار ظرفیت تولید صورت‌های مؤدبانه، ممکن است به سمت الگوهای محافظه‌کارانه و تعمیم‌پذیر گرایش داشته باشد. در مجموع، مقایسه دو مجموعه نشان می‌دهد که بافت اجتماعی در هر دو منبع نقش مهمی در انتخاب راهبرد ادب دارد. با این حال، کتاب‌ها تنوع راهبردی بیشتری نشان می‌دهند؛ درحالی‌که خروجی هوش مصنوعی به سمت صورت‌های محافظه‌کارانه‌تر و قابل تعمیم گرایش دارد. این تفاوت را نمی‌توان صرفاً به عملکرد مدل زبانی نسبت داد؛ زیرا نوع پرامپت، سطح زبانی تعیین‌شده، موقعیت‌های انتخاب‌شده و ماهیت آموزشی کتاب‌ها نیز می‌توانند در شکل‌گیری الگوها مؤثر باشند. از این رو، یافته‌ها بیشتر از آنکه بر برتری یک منبع دلالت کنند، نشان‌دهنده تفاوت در شیوه بازنمایی و تولید کاربردشناختی کنش‌های گفتاری در دو منبع هستند.

تفاوت مشاهده شده میان داده‌های هوش مصنوعی و داده‌های کتاب را می‌توان در وهله نخست با ماهیت الگومحور و تعمیم‌گرایی مدل‌های زبانی تبیین کرد. مدل‌های زبانی بزرگ، بر اساس الگوهای موجود در حجم گسترده‌ای از داده‌های زبانی به تولید پاسخ می‌پردازند؛ در حالی که محتوای آموزشی با هدف ارائه و تمرین نمونه‌های مشخص طراحی می‌شوند. در چنین فرایندی، صورت‌های زبانی پرتکرار و عمومی می‌توانند در تولید پاسخ برجسته‌تر شوند که این امر، با ساختارهای مؤدبانه، محافظه‌کارانه و محدودتر بودن تنوع راهبردی داده‌های پژوهش حاضر سازگار است. عامل دیگری که می‌تواند این الگو را توضیح دهد، تفاوت میان فراگیری الگوهای صوری زبان و بازنمایی دانش کاربردشناختی وابسته به بافت است. تولید صورت‌هایی مانند ساختارهای تعدیل‌کننده نیازمند شناخت الگوهای زبانی مرتبط با ادب است؛ اما انتخاب میان راهبردهای مختلف ادب مستلزم در نظر گرفتن روابط اجتماعی، هنجارهای فرهنگی و نیز ویژگی‌های خاص موقعیت می‌باشد. از این رو، این امکان وجود دارد که هوش مصنوعی در تولید الگوهای زبانی متعارف عملکرد باثبات‌تری داشته باشد؛ درحالی‌که بازنمایی تنوع کاربردشناختی وابسته به بافت، پیچیده‌تر می‌نماید. همچنین، تفاوت در هدف تولید می‌تواند در شکل‌گیری این الگو مؤثر باشد. کتاب‌های آموزشی با هدف آموزش زبان، نمونه‌ها را به صورت گزینشی و سازمان‌یافته برای نمایش موقعیت‌ها و کاربردهای مختلف ارائه می‌کنند درحالی‌که هدف مدل

زبانی هنگام پاسخ به یک پرامپت، الزاماً ایجاد تنوع کاربردشناختی یا نمایش همه راهبردهای ممکن نیست؛ بنابراین، انتظار تولید تنوع کامل در محتوای آموزشی از یک مدل هوش مصنوعی، بدون هدایت مستقیم آن به سمت تنوع بافت و راهبرد، احتمالاً با محدودیت مواجه خواهد بود. اگرچه می‌توان تفاوت مشاهده‌شده را حاصل تعامل میان ماهیت الگومحور مدل، نحوه بازنمایی دانش کاربردشناختی در داده‌های زبانی و تفاوت هدف تولید داده‌ها توسط هوش مصنوعی و کتاب‌های آموزشی دانست؛ اما از آنجا که این عوامل در پژوهش حاضر مورد آزمون واقع نشده‌اند، این تبیین‌ها را صرفاً باید به‌عنوان احتمالات مبتنی بر یافته‌ها تلقی کرد.

۸. بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، مقایسه نحوه بازنمایی کنش‌گفتارهای درخواست، دعوت، عذرخواهی و پیشنهاد در کتاب‌های آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان و داده‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی، با تمرکز بر راهبردهای ادب و میزان تهدید وجهه است. یافته‌ها نشان داد که تفاوت دو منبع نه در نوع کنش‌گفتارها؛ بلکه عمدتاً در تنوع راهبردهای زبانی و شیوه تحقق آن‌ها در بافت‌های اجتماعی مختلف است. داده‌های کتاب از تنوع کاربردشناختی بیشتری برخوردار بودند و دامنه گسترده‌تری از راهبردهای ادب و شدت تهدید کنندگی وجهه را نشان دادند؛ درحالی‌که داده‌های هوش مصنوعی بیشتر به سمت صورت‌های زبانی استاندارد، مؤدبانه و قابل پیش‌بینی گرایش داشتند. در سطح صورت‌های زبانی، هوش مصنوعی عملکرد قابل قبولی نشان داد و توانست از ساختارهایی مانند «ممکن است»، «اگر امکان دارد»، «مایل هستم»، «با هم» و «اگر موافقی» برای تحقق کنش‌گفتارها استفاده کند. در سطح راهبردهای همبستگی و مدیریت رابطه اجتماعی نیز کاربرد ادب مثبت در دعوت و پیشنهاد و استفاده از عناصر مشارکتی نشان می‌دهد که مدل زبانی تا حدی قادر به بازنمایی بعد رابطه‌ای زبان است. بااین‌حال، در مقایسه با کتاب‌ها، تنوع راهبردی خروجی هوش مصنوعی محدودتر بود و راهبردهای ادب مستقیم بدون پوشش ادبی و ادب غیرمستقیم در داده‌های آن مشاهده نشدند. این امر می‌تواند نشان‌دهنده گرایش مدل به استفاده از الگوهای مؤدبانه و محافظه‌کارانه‌ای باشد که برای موقعیت‌های مختلف قابلیت تعمیم بیشتری دارند. در سطح مدیریت تهدید وجهه نیز هوش مصنوعی، به‌ویژه در کنش‌گفتارهای درخواست و عذرخواهی، توانایی مناسبی در استفاده از راهبردهای کاهنده تحمیل نشان داد. غلبه ادب منفی در درخواست‌ها و استفاده از ساختارهای تعدیل‌کننده بیانگر آن است که مدل زبانی رابطه میان درخواست و ضرورت کاهش تحمیل را تا حدی بازنمایی می‌کند. بااین‌حال، آزمون مجذور کای نشان داد که تفاوت فراوانی ادب مثبت و منفی میان دو منبع از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین، گرایش بیشتر هوش مصنوعی به ادب منفی در این پژوهش را باید یک الگوی توصیفی دانست، نه تفاوتی آماری و قطعی میان دو منبع. در مقابل، پیرامون لایه‌های عمیق‌تر کاربردشناختی، از جمله درک کنایه، بار عاطفی پیچیده، ارزش‌های فرهنگی و کنش‌های تشریفاتی، داده‌های حاضر شواهد مستقیمی فراهم نمی‌کنند و بنابراین نمی‌توان ناتوانی هوش مصنوعی در این حوزه‌ها را نتیجه گرفت. بااین‌حال، محدود بودن تنوع راهبردی خروجی‌ها نشان می‌دهد که تولید یک صورت زبانی مؤدبانه لزوماً به معنای درک کامل زمینه اجتماعی و فرهنگی کنش‌گفتار نیست. ازاین‌رو، کفایت کاربردشناختی هوش

مصنوعی در داده‌های حاضر را می‌توان به این صورت بیان کرد: عملکرد مناسب‌تر در سطح صورت‌های زبانی و راهبردهای متعارف ادب، و نیاز به بررسی بیشتر در سطوح عمیق‌تر و وابسته به بافت. از منظر آموزشی، یافته‌ها نشان می‌دهد که هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان ابزار مکمل کتاب‌های آموزش زبان فارسی مورد استفاده قرار گیرد، نه جایگزین آن‌ها. کتاب‌ها در بازنمایی تنوع بافتی، روابط اجتماعی و دامنه راهبردهای کاربرشناختی غنی‌تر عمل می‌کنند؛ درحالی‌که هوش مصنوعی ظرفیت تولید نمونه‌های جدید و قابل تنظیم بر اساس نیاز آموزشی را فراهم می‌کند؛ بنابراین، تلفیق این دو منبع، مشروط به ارزیابی تناسب کاربرشناختی و فرهنگی خروجی‌های هوش مصنوعی، می‌تواند به تولید محتوای آموزشی غنی‌تر و منعطف‌تر منجر شود. در نهایت، تفاوت‌های مشاهده شده را نمی‌توان صرفاً به ویژگی‌های هوش مصنوعی نسبت داد؛ زیرا نوع پرامپت، سطح زبانی تعیین‌شده، موقعیت‌های انتخاب‌شده و ماهیت آموزشی داده‌های کتاب نیز می‌توانند بر نتایج اثرگذار باشند. همچنین، حجم محدود داده‌ها، بررسی تنها یک ابزار هوش مصنوعی و صرفاً تمرکز بر چهار کنش گفتار، تعمیم نتایج را محدود می‌کند؛ بنابراین، پژوهش‌های آینده می‌توانند با مقایسه چند مدل هوش مصنوعی، بررسی کنش-گفتارها و بافت‌های فرهنگی متنوع‌تر و انجام مطالعات آزمایشی با زبان‌آموزان، میزان تأثیر واقعی استفاده از هوش مصنوعی بر رشد شایستگی و توانش کاربرشناختی زبان‌آموزان را بررسی کنند. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود استفاده از هوش مصنوعی در آموزش کنش‌گفتارها به صورت مکمل و در کنار محتوای کتاب‌های آموزشی صورت گیرد. در این الگو، نمونه‌های کتاب می‌توانند به‌عنوان مبنای ارائه بافت‌ها و راهبردهای متنوع کاربرشناسی و خروجی‌های هوش مصنوعی به‌عنوان منبعی برای تولید، مقایسه و ارزیابی به کار روند. به این منظور، ابتدا یک موقعیت و کنش گفتار از محتوای آموزشی ارائه شود و زبان‌آموزان رابطه قدرت، فاصله اجتماعی، میزان تحمیل و شدت تهدید وجهه را در آن تحلیل کنند. سپس نمونه‌های تولیدشده توسط هوش مصنوعی برای همان موقعیت در اختیار آنان قرار گیرد و از زبان‌آموزان خواسته شود میزان تناسب این نمونه‌ها با بافت و موقعیت را ارزیابی و در صورت نیاز اصلاح کنند. در مرحله بعد با تغییر متغیرهایی مانند قدرت، فاصله اجتماعی و میزان تحمیل، در همان کنش مشابه، زبان‌آموزان می‌توانند بررسی کنند که چگونه تغییر بافت به تغییر در صورت زبانی و راهبرد ادب منجر می‌شود. به بیان دیگر، این فعالیت به زبان‌آموز کمک می‌کند دریابد که درست بودن ساختار زبانی الزاماً به معنای مناسب بودن آن در یک موقعیت اجتماعی نیست و نمی‌توان راهبرد ادب را یک ویژگی ثابت صورت زبانی در نظر گرفت زیرا وابسته به بافت تغییر می‌کند؛ بنابراین انتخاب راهبرد ادب مناسب، باید متناسب با موقعیت ارتباطی صورت گیرد. چنین رویکردی، هوش مصنوعی را نه به‌عنوان الگوی زبانی کاملاً معتبر، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تقویت آگاهی کاربرشناختی، مقایسه راهبردها و پرورش توانایی ارزیابی انتقادی زبان‌آموز به کار می‌گیرد.

منابع فارسی

- - آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۹۰). تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی. چاپ دوم. تهران: علمی و فرهنگی
- - ایشانی، طاهره و معصومه نعمتی قزوینی. (۱۳۹۳)، تحلیل خطبه حضرت زینب(س) در کوفه بر اساس نظریه کنش‌گفتار سرل. مجله تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۲۵-۵۱.
- - پورسیاه، فرخنده و دیگران. (۱۳۹۷)، نگاهی جامعه‌شناختی به کنش‌گفتار انتقاد در زبان فارسی. فصلنامه علمی-پژوهشی زبان‌پژوهی دانشگاه الزهرا(س)، سال دهم، شماره ۲۷، صص ۲۷-۴۷.
- - صفوی، کورش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. چاپ دوم. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- - فرکلاف، نورمن. (۱۳۸۷)، تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.

○

References

- Austin, J. L. (۱۹۶۲), How to Do Things with Words. Oxford: Clarendon Press.
- Blum-Kalka, S., & House, J. & Kasper, G. (Eds.). (۱۹۸۹). Cross-cultural pragmatics: Request and apologies. Norwood, NJ: Ablex Publishing Corporation.
- Brown, P., & Levinson, S. C. (۱۹۸۷). Politeness: Some universals in language usage. Cambridge University Press.
- Godwin, J. R. (۲۰۲۴), AL in language learning: opportunities and threats. Virginia Commonwealth University
- Kasper, G. & K. R. Rose. (۲۰۰۱), Pragmatics in language Teaching. Cambridge: Cambridge University Press
- Searle, J. R. (۱۹۶۹), Speech acts. Cambridge: Cambridge University Press.
- Searle, J. R. (۱۹۷۵), Indirect Speech Acts. In P. Cole & J. L. Morgan (Eds.), Syntax and Semantics: Vol. ۳. Speech Acts (pp. ۸۲-۵۹). New York: Academic Press.
- Searle, J. R. (۱۹۷۶), A classification of illocutionary acts. Language in Society, ۲۳-۱, (۱)۵
- Vakilifard, A., Ebadi, S., & Ebrahimi-Marjal, B. (۲۰۱۵), A Critical Analysis of Speech Acts in Textbooks of Teaching Persian to Speakers of Other Languages. English for Specific Purposes World, ۴۷.
-

پیوست‌ها

محاسبات آزمون مجذور کای پیرسون

۱. فراوانی‌های مشاهده شده:

منبع	ادب منفی	ادب مثبت	مجموع
کتاب‌های آموزشی	۱۰	۱۰	۲۰
هوش مصنوعی	۱۵	۹	۲۴
مجموع	۲۵	۱۹	۴۴

۲. محاسبه فراوانی‌های مورد انتظار:

$$E = \frac{\text{مجموع ستون} \times \text{مجموع سطر}}{\text{مجموع کل}}$$

$$E = \frac{۲۰ \times ۲۵}{۴۴} = ۱۱.۳۶$$

$$E = \frac{۲۰ \times ۱۹}{۴۴} = ۸.۶۴$$

$$E = \frac{۲۴ \times ۲۵}{۴۴} = ۱۳.۶۴$$

$$E = \frac{۲۴ \times ۱۹}{۴۴} = ۱۰.۳۶$$

جدول فراوانی‌های مشاهده شده و مورد انتظار:

منبع	ادب منفی	ادب مثبت
کتاب‌های آموزشی	۱۰(۱۱,۳۶)	۱۰(۸,۶۴)
هوش مصنوعی	۱۵(۱۳,۶۴)	۹(۱۰,۳۶)

* عدد داخل پرانتز نشان‌دهنده فراوانی مورد انتظار است.

۳. محاسبه مجذور کای فرمول آزمون:

$$\chi^2 = \sum \frac{(O - E)^2}{E}$$

$$\chi^2 = \frac{(10 - 11.36)^2}{11.36} + \frac{(10 - 8.64)^2}{8.64} + \frac{(15 - 13.64)^2}{13.64} + \frac{(9 - 10.36)^2}{10.36}$$

$$\chi^2 = 0.1636 + 0.2153 + 0.1364 + 0.1794$$

$$\chi^2 = 0.6947$$

$$df = (2 - 1)(2 - 1) = 1$$

$$\chi^2 = 0.695$$

$$p = 0.404$$

* از آنجا که مقدار p بزرگتر از سطح معناداری 0.05 است تفاوت مشاهده شده در فراوانی راهبردهای مثبت و منفی میان دو منبع از نظر آماری معنادار نیست: $(\chi^2(1) = 0.695, p = 0.404)$

